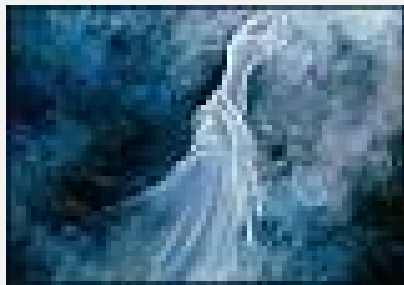


دعا موجب نابودی یا تضعیف کبر و غرور می شود

در همه عالم تمام امور بر طبق قضا و قدر الهی جریان پیدا می کند به گونه ای که جزئی ترین کارهایی که صورت می گیرد تحت ربوبیت مطلق خداوند و در ید قدرت اوست.



خبرگزاری مهر- در همه عالم تمام امور بر طبق قضا و قدر الهی جریان پیدا می کند به گونه ای که جزئی ترین کارهایی که صورت می گیرد تحت ربوبیت مطلق خداوند و در ید قدرت اوست.

خدایی که هیچ کس در برابر قدرت و اراده او تاب مقاومت ندارد، کلید تمام امور، حوادث، ثروت ها، و گنج های خویش را به انسان سپرده و اراده کرده است که انسان اراده و طلب کند تا بسیاری از امور محقق شود چنانکه حضرت علی (ع) می فرمایند: خداوند کلید گنجینه های آسمان و زمین را در اختیار تو نهاده چرا که به تو اجازه درخواست و دعا داده است.

پس باید توجه داشت که دعا، همان طلب و خواستن و اراده قلبی و فطری انسان است به طوری که امام خمینی (ره) دعا را درخواست به زبان استعداد می خواند و معتقد است فیض خداوند کامل و فوق کامل است و اگر فیض ظاهر نمی شود، پذیرنده، استعداد و آمادگی پذیرش را ندارد.

پس سوالی که مطرح است این است که چرا انسان نیاز به دعا دارد؟ در پاسخ باید گفت: علل و عواملی برای این سوال وجود دارد.

اولین و مهمترین آن این است که دعا کردن پاسخ به نیاز فطری انسان است. انسانی که فطرتا نیکی را می ستاید و زیبایی را می پسندد. در برابر زیبایی و کمال مطلق از خود بی خود می شود و قلب و زبانش به ستایش مشغول می گردد.

در تمام مراحل زندگی باید دقت کرد که چون هر لحظه انسان در آزمایش و امتحان است پس هر لحظه باید با دعا از خدا بخواهد که او را از آزمایش سر بلند بیرون بیاورد.

مکانیسم دعا، موجب نابودی یا تضعیف کبر و غرور می شود زیرا خداوند در قرآن، دعا نکردن را استکبار و بزرگی طلبی از سوی انسان خوانده است. "ادعونی استجب لکم! ان الذین يستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم اخرین".

خداوند برای تداوم رابطه خود با بنده اش اختیار ویژه ای به انسان بخشیده است. اگر بخواهیم این اختیار را تعریف کنیم باید گفت اختیار داشتن کلید تمام گنجینه های الهی، به تعبیری دیگر دعا سیر و سلوک در خود تلاش برای بازشناسی خویش و کشف قدرت بی انتها نهفته در روح انسان است.

بنا بر قول اکثر علما و فلاسفه وقتی برای چیزی دعا می کنیم در این صورت ذهن انسان بیشتر متوجه آن می شود و با تمرکز که روی آن می کند آن چیز اهمیت ویژه ای پیدا می کند.

پس هنگامی که انسان دعایی می کند و مستجاب نمی شود علتی دارد و آن علت این است که وقتی روی یک مسئله تفکر و دعا می کنیم و همراه آن تمرکز می آید پس اگر در این هنگام هر اندیشه ای که در سر جای می گیرد همان اندیشه بنای زندگی روزمره انسان می شود.

مثلا اگر انرژی حیاتی خود را بر این بگذاریم که من می دانم این دعا مستجاب نخواهد شد قطعا چنین خواهد شد زیرا انسان بر یک کاستی تمرکز کرده و انرژی هایی دریافت می کند که کائنات آن را پس می زنند و در دین اسلام همین جملات را جور دیگری بیان می کنند و آن اینکه وقتی انسان می گوید من می دانم دعایم مستجاب نخواهد شد این طرز تفکر از القائات شیطان است و ناامیدی موجب شکست او خواهد بود.

پس هر دو جملات مثل هم بود به طوری که اولی از نظر علمی ثابت شده و دومی در روایات آمده است. اکثر فلاسفه غربی نیز به این نتایج رسیده اند و تمام دعاها و خواسته هایی که انسان از خداوند می خواهد همه از انرژی هایی است که از تفکرات خود فرد صورت می گیرد.

در روایات داریم که وقتی استجاب دعا طول می کشد و یا به تاخیر می افتد سبب اجر بیشتر برای دعا کننده و نزدیکی و قرب بیشتر او به خدا می شود. پس در اینجا متوجه دوستی خداوند با بنده اش می شویم.

دعا کردن یکی از نیازهای فطری است که تمام افراد چه مسلمان، چه غیر مسلمان که در تمام زندگی حتی بدون آنکه خود متوجه شود انجام می گیرد که استجاب آن بنا بر مصلحت خداوند صورت می گیرد. پس هدف از دعا، اجابت دعا نیست، بلکه دعا تنها بهانه ارتباط و قرب است.

در حقیقت دعا رابطه حضوری و بی واسطه بین بنده و آفریننده است، دعا و خواندن خدا و خواستن از خدا، تحقق توحید و یگانه دانستن و یکی دیدن خداست.